بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین

الهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

کارگاه آشنایی با روش های تدبر در قرآن در حوزه مطالعات روان شناختی

جلسه با تلاوت استاد بهرامی احسان شروع شد و استاد بهرامی 8 آیه اول سوره فاطر را تلاوت کردند.

استاد بهرامی:

خداوند در قرآن همه آداب و لوازم ضروری و اسلوب زندگی سالم را معرفی کردند و هیچ چیز برای ما کم نگذاشتند. و به همان نسبتی که کامل و قابل استفاده است مهجور هم هست. اغلب ما دریافت خیلی محدود ، دور از زندگی، جدای از واقعیت های جاری فکر و عمل و متأسفانه نادیده گرفته می شود.

نکات زیر قابل توجه است:

1. قرآن بیش از آن که کتاب علم باشد، کتاب نور است، علم یکی از بارقه های نور است چون حقیقت قرآن متصل به اصل خدای تعالی است ( هر کسی دنبال حقیقت نورانی است و در جستجوی نور است قرآن کریم این منبع را در اختیارش می گذارد) .

بهترین، زیباترین، شفاف ترین منبع اتصال عظیم نور، قرآن است.

نگاهتان برای بهره برداری از قرآن، اتصال به منبع نور باشد. توقع تان را بالا ببرید.

1. \*کسانی که می خواهند از این منبع معرفت و دانش و نور و فضیلت بهره ببرند باید طهارت داشته باشند ( لایمسه الا المطهرون) طهارت ظاهر بخش اول و ابتدایی اما مهتر از طهارت ظاهر، طهارت باطنی است. هر چقدر انسان در استفاده از قرآن کریم طاهرتر به پاکیزه تر باشد قرآن بهتر با او حرف می زند.

سلوک قلبی و عملی لازم است.

اگر طهارت نباشد ممکن است دانشمند خوبی بشویم اما بهره برداریمان از قرآن بسیار محدود است.

1. کسی که می خواهد با قرآن کار کند و استفاده کند شرط بهره برداری از قرآن رفاقت و انس با قرآن است. انس با قرآن یعنی این که با آن مأنوس بشویم. رفیقی که دوست داریم و از او جدا می شویم به فکرش هستیم، اگر مسافرت می رویم عکسش را نگاه می کنیم. شرایط بهره برداری از قرآن ، انس با قرآن است و اگر کسی انیس رآن می شود. خیلی ازش استفاده می کند.

کسی که وارد وادی قرآن می شود شیطان دور و برش خیلی پرسرمی زند. به همان نسبتی که به منبع نور توجه دارید مراقبت شیطان هم باید باشید. شیطان هایی که القا می کنند، دیگران را به جان شما می اندازند.

ان شاء الله در این راهی که شروع کردید ثابت قدم باشید.

دکتر فیاض:

الحمد الله در این کارگاه در ایام ماه مبارک رمضان و یمن و رحمت خاصی داشته باشد

در نشست تخصصی که در زمستان 97 داشتیم به این نتیجه رسیدیم:

اولاً زمان بیشتری اختصاص بدهیم در بحث تدبر و دوستانی که آشنایی ندراند بهره مند شوند و به صورت خاص خیر مقدم خدمت تک تک شما .

\*دو هدف عمده داریم:

1. روش های تدبر در قرآن و کاربست آن در پژوهش های روان شناختی

این دو روز حالت فشرده دار و یک کلیتی از روش شناسی ارائه و به صورت عملی این اتفاق بیفتد.

1. معرفی هسته پژوهشی دانشگاه تهران است که چند ماهی کار می کند و روند به چه صورت هست.

آغاز فعالیت هسته از سال 1390 بود از همان زمان بدون شکل رسمی با نظارت استاد اخوت ، دکتر بهرامی فرآیند پژوهشی آغاز شد تا به امروز بیش از 20 پایان نامه دکتری دفاع شده است.

یکی از اهداف مهم این هست: سامان بخشیدن به پژوهش های روان شناسی اسلامی .

چه پژوهش هایی انجام گیرد و در چه موضوعاتی.

اهداف دیگر

الان محتوای غنی برای همه سرفصل های لازم وجود ندارد یکی از اهداف در پنج سال آینده این است که این سرفصل ها را مشخص کنیم.

فرآیند پژوهش در هسته کم کم شکل گرفت و الان به یک پختگی رسیده .

دوستان موضوعات را انتخاب می کنند یا اساتید پیشنهاد می دهند. در مرحله اول موضوع مورد بررسی قرار می گیرد در مرحله بعدی بسته به این که این موضوع در کدام حوزه روان شناسی قرار می گیرد دوستان به کارگروه ها ارجاع داده می شوند. هسته دارای کارگروه های مختلفی است که اعضاء آن به طور خاص کارگروه خانواده، رشد ، انسان و جامعه، اختلال و ...

یکی از کارهایی که در حال انجام در هسته است همه موضوعاتی که روان شناسی قرآنی باید بپردازد را جمع آوری کنیم.

نقشه موضوعاتی که باید در مورد انسان بررسی بشود انسان چه ابعادی دارد و به چه ابعادی باید توجه کرد . این کارگروه ها ، کارگروه های فعلی هسته پژوهشی هستند که هر کدام یک یا چند مسئول و پشتیبان دارد.

یکی از مزیت های کارگروه ها این است که پشتیبان ها کمک می کنند کار پایان نامه ها تسریع شود.

در واقع این فرآیند فرآیندی است که دوستان از بیرون وارد می شوند وارد چنین فضایی می شوند.

در کارگروه بررسی می شود یک گروه داریم که نتایج کار ارائه می شود گزارش تهیه می شود، صوت های جلسات گذاشته می شود

در اختلال کار افسردگی ، اضطراب فراگیر، اضطراب زیر آستانه تمام شده است.

در کودک و نوجوان دوستان مقیاس هایی را آماده می کنند

در خانواده پروتکل غنی سازی روابط زوجین یا بلوغ عاطفی درحال آماده سازی است. شخصیت و استعداد و ...

فرآیند استخراج مفاهیم از قرآن سه مرحله دارد وقتی یک موضوعی در قرآن توجه ما را جلب می کند یا با مسئله ای از بیرون مواجه می شویم.

1. انتخاب واژگان ، آیات یا سوره های مرتبط با مسئله است یعنی وقتی ما با مسئله ای مواجه می شویم مثل استرس، وسواس مسائلی هستند که در روان شناسی مواجه هستیم می خواهیم وارد قرآن کنیم یا افسردگی اولین واژه که به ذهن ما می رسد حزن است آیا این واژه برای کار کردن درست است این که با مسئله مان را باز کنیم تعریف کنیم جایگاه مهمی دارد.

اگر واژه اشتباه انتخاب کنیم یا واژه ها و سوره ها کافی نباشد دچار خطا می شویم هر چقدر آگاهی و اشراف به مسئله بیشتر باشد راحت تر می توانیم وارد قرآن شویم . از آن طرف هر چقدر برقرآن و واژه ها و سوره ها اشراف بیشتری داشته باشیم بهتر می توانیم کار انجام دهیم.

اگر واژه ، یا سوره انتخاب شد ، واژه در نظامی قرار دارد در دل آیه ، در دل دسته آیه و در نهایت سوره را می سازند و سوره در اتباط با سوره های دیگر است پس واژه ها را تنها نبینیم در ارتباط با آیه و دسته آیه و سوره ها ببینیم.

ببینیم واژه ها در سوره های مختلف ، معانی متفاوتی دارند.

در واقع دوره های روشی تدبردر این زمینه به ما کمک می کند.

پس از انتخاب واژه ها و سوره ها،

1. مرحله بعد چیست؟ مثلا مفهوم افسردگی به مولفه های کوچکتر تقلیل پیدا می کند.

به عنوان مثال در اضطراب فراگیرخوف همراه با ذیق صدر بررسی می گردد، چون هر خوفی که بد نیست مثلا خوف پیامبران.

وقتی مفهوم مشخص شد وارد قرآن می شویم یعنی تا این جا با روان شناسی کار داریم ولی بعدش دیگر روانشناسی را می گذاریم کنار.

یک بار اولش کار داریم با روانشناسی، یک بار آآخرش.

وقتی وارد قرآن می شویم با چه روندی باید مفاهیم را استخراج کنیم؟ این مرحله با کمک اساتید مشخص می شود.

مرحله دوم ما به یک شبکه مفهومی می رسیم یعنی به یک دسته مولفه هایی می رسیم.

مثلا از بعد چرایی ، چیستی ، چگونگی .

1. مرحله ارتباط بین نظر و عمل در زندگی واقعی

خیلی از پژوهش های مبانی نظری کار می کند.

یک فرآیند نظر به عمل را طی می کنیم بسته به موضوع ممکن است مدل ، پرسشنامه، مصاحبه، پروتکل باشد.

آیا این در کاربرد و در عمل سنجیده می شود؟

طبیعتاً باید این نتیجه را داشته باشند.

مورد بعدی استناد آیات دیگری است.

از جای دیگر قرآن هم چنین قانونی را پیدا می کنیم.

مورد بعدی روایات

در روایات هم تأیید پیدا کنیم.

**انواع استخراج شبکه مفهومی و کشف تعاریف مربوطه**

در مرحله دوم: برای استخراج شبکه مفهومی یا انتخاب واژه چند مدل داریم:

1. واژه ها در استعمال عرف و قرآن یکی هستند، مثلا واژه علم، انسان با همین واژه ها وارد قرآن می شویم اما ممکن است به یک شبکه مفهومی بسیار جدید در قرآن دست پیدا کنیم.

انسان در روانشناسی در رویکردهای متفاوت تعاریف متفاوتی دارد. ولی در قرآن انسان دارای دو بعد روح و جسم و دنیوی ، اخروی ، فرآیند رشد و ... دارد و با عرف روانشناسی متمایز می شود.

1. واژه ها با بیرون و عرف یکسان نیستند .

در قرآن بحث اختلال ، اختلال به این شکل که بیان نشده است. اختلال را در روان شناسی معنی می کنیم و به عنوان مثال واژه شر را انتخاب کنیم حالا شر چیست و چه صورتی دارد وارد قرآن می شویم.

1. برای مسائل بیرونی دسته واژه ها را انتخاب می کنیم و یک مسئله داریم که در قرآن تک واژه ندارد بلکه دسته واژه دارد مثل استعداد که با دسته واژه فضل و سبیل ، نعمت و ... شناخته می شود.
2. مسئله ما خیلی پیچیده است یک مسئله نیست چند تا مسئله کنار هم هستند مثل استرس رزم، یا ارتفاء کیفیت روابط عاطفی بین زوجین با چند مسئله رو برو می شویم.
3. مسئله با موضوعات اصلی سوره و غرض سوره ارتباط دارد مثلا خیانت زناشویی ردپای آن در سوره نور بیشتر دیده می شود.

مفهومی از سوره پیدا می کنیم و می رویم در سوره های دیگر .

1. مسئله مورد بررسی ما ماهیت نوع گونه دارد مثل شخصیت که انواع دارد غیر از کارکردن روی شاکله ، باید دنبال نوع بندی در قرآن باشیم که در مدل های مختلفی پیاده شده مثل من الناس ها و قوم ها.

استاد اخوت:

قبل از این که شروع کنیم تشکر کنیم از استاد بزرگوار جناب دکتر بهرامی.

اگر زحمات ایشان نبود هیچکدام از این فعالیت ها شکل نمی گرفت.

هدف از تشکیل این جلسات بیشتر رفع نواقص این جریان است. می خواهیم جریانی که به وجود آمده را بیان کنیم تا نواقص آن برطرف شود و دوستان را دعوت کنیم که تعاونوا علی البر و التقوی.

کتاب جدید تدبر، سیر از سوال تا جواب که هنوز چاپ نشده است در این زمینه مفید خواهد بود. البته مبانی نظری اش زیاد است و ممکن است نتوانیم در اینجا جمعش کنیم و از رونمایی کتاب صرف نظر می کنم.

یکی از دغدغه های مهم دوستان که سراغ قرآن می روند این است که از کجا معلوم که این کار ما تفسیر به رأی نباشد که در آن کتاب توضیح داده شده یک هفته در تابستان نیاز هست برای آن کتاب وقت گذاشته شود. برای بحث امروز اینکه دوستان به صورت مشترک یک موضوع انتخاب کننند و یک پژوهش قرآنی را سامان بدهیم، طرح کلی پژوهش به صورت عملی موضوعاتی که مربوط به فیزیولوژی است ما هنوز کار نکردیم مثلا پارکینسون نه اینکه قرآن ناتوان است، در روش های بررسی آن را فعلا ورود نکرده ایم.

دکتر بهرامی: همانطور که اشاره کردند اولین گام برای ورود قرآن این است که ما خود مان بدانیم که چی می خواهیم

و پیدا کردن سوال مطلوب، ما را به پاسخ های خوب می رساند.

یکی از حضار: آیا هدف ما از تشکیل کارگروه این است که می خواهیم روان شناسی اسلامی ترویج کنیم یا محوریت کارگروه قرآن پژوهی است ما خیلی از سیره اهل بیت کمک گرفتیم چون خیلی مشهود است آیا محوریت کارگاه قرآن پژوهی است یا روان شناسی اسلامی؟

استاد اخوت: کارکرد روش های تدبر در کشف حقایق مربوط به انسان به ویژه در موضوعات روان شناسی ما که نمی توانیم در این 6، 7 ساعت خیلی مطالب را بگوییم، می خواهیم کار روشی ارائه بدهیم. بحث های مبنایی این را فعلا کاری ندارم ما همیشه وقتی می خواهیم کار قرآنی خوبی بکنیم دردم دو تا سوال بنیادی می آید و در قسمت مقدمات گیر می کنیم. فرض ما این است که دوستان قبول دارند که از قرآن می شود مباحث روان شناسی استخراج کرد.

استاد بهرامی :

دوستان حتماً سوالات بنیادی و تفصیلی دارند که ان شاء الله در آینده پاسخ داده خواهد شد.

حضار: مثلا خشم یک موضوع است. مدل یابی اختلالات روانی و مشکلات روانی، اجتماعی کودکان و نوجوانان بررسی رابطه های شیوه های فرزند پروری ، سبک تفکر والدین ، وسواس نوجوانان وسواس ، معیارهای ازدواج ، نوازش درمانی، مشاوره پیش از و تأثیرش در رضایت زناشویی ، حل مسئله ، کنترل خشم، تبیین اختلالات جنسی، سبک زندگی ، تقوا .

استاد بهرامی:

اگر ما دقیقا موضوع مورد نظرمان را نشناسیم و با دقت تبیین نکنیم به همان نسبت در استفاده از قرآن حتماً دچار محدودیت خواهیم شد.

گام اول، رسیدن به یک سوال خوب است، اغلب مورادی که شما فرمودید موضوع است اگر دقیق تر من نگاه کنم بگویم خشم در چه مواردی شروع می شود ، چگونه غلبه می کند، چگونه پیامده ای زیان بار دارند؟ چه کسانی بیشتر خشمگین می شوند و صد ها مسئله دیگر ...

بسیاری از موارد که دوستان ما مطرح کردند موضوعات پیچیده ، درهم تنیده و لایه لایه هستند، به همین دلیل وارد قرآن شدن کمک زیادی به ما نمی کند.

من بحث سلامت را مطرح می کنم همه ما از سلامت صحبت می کنیم با نگاه روان شناختی آیا در قرآن در باب سلامت از زاویه سلامت روان می توانیم ورود کنیم؟ آیا قرآن انسان سالم را معرفی کرده است؟ چه ویژگی هایی دارد؟ آیا انسان مریض را معرفی کرده؟ آیا بین مفهوم سلامت و مریضی یک تضاد و تقابل وجود دارد یا انسان سالم، نیمه سالم، تا حدی سالم و مثلاً انسان مریض داشته باشیم؟ اگر انسان مریض معرفی شده چه ویژگی هایی دارد؟

آیا سلامت را می شود بدست آورد؟ ذاتی است؟ اکتسابی است؟ بعدش می شود در رابطه با اثر تعلیم و تربیت روی سلامت و شیوه های ارتقاء سلامت صحبت کرد؟

استاد اخوت:

جمع بندی: دوستان سوالات متعددی را مطرح کردند که هر کدام را که بخواهیم بررسی کنیم از ابعاد مختلف قابل بحث و بررسی است می خواهیم سوالات را ارجاع بدهیم به قرآن، هر کدام از سوالا که خیلی تفصیلی شده و آمیخته شده با چیزهای دیگر باید جداسازی کنیم.

آقای دکتر سوالی که مطرح کردند سوال ازدواج را مطرح می کنید معیارهای ازدواج برای شما یک مسئله است ولی در قرآن تبدیل به چند موضوع می شود خود انسان ، هدف آفرینش ، جامعه ، مختصات زوجیت در جامعه؛ حوزه ازدواج روی زوجیت ، اهداف زوجیت ، تازه سوالت شروع می شود که میعارهای ازداج چیست ؟ یعنی قبل از اینکه به مفهوم ازدواج برسیم از چهار مانع باید عبور کنیم

یا تربیت کودک : انسان ، اقتضائات سن ، کنش واکنش تا برسیم به سوالات اکنون ما. بنابر این تحلیل سوالات امر مهمی است. وقتی تحلیل می کنیم. هدف ازدواج در راستای هدف خلقت است چون ازدواج فرع بر خلقت است مثل این که شما موضوع را در شاخه بررسی می کنید بحث باید از تنه بررسی شود اگر هدف خلقت انسان معلوم نشود هر هدفی برای ازدواج در آوردید ناقص است.

از ناکامی های ما در پژوهش های قرآنی همین موضوعات بوده، شاخه ها را مطرح می کردند وبه تنه نمی پرداختند.

یک سری موضوعات پایه پیدا می کنیم.

طرح درس هایمان شما می خواهید هر موضوعی کار کنید راجع به انسان ، هویت اجتماعی انسان و ... اطلاع داشته باشید. علوم پایه در قرآن در رشته های مختلف باید به سرعت بیشتر تولید بشود.

مفهوم سلامت روی تنه است و روی شاخه نیست و این از عنایت خدا و نورانیت آقای دکتر بود که چنین پیشنهادی دادند.

یک مثال بزنم فکر کنید ما در روابط زناشویی با مشکلات عدیده مواجه هستیم یکی از مشکلات خانواده شوهر از دو قبیله های مختلف هستند که قبلا دست به شمشیر و اخیرا دست به هفت تیرشان باز بوده است یک نفر مراجعه می کند و یک سری مسائل را مطرح می کند. باید چه کار کنیم؟ وقتی شما فقط توجه به آن موضوع می کنیم خیلی وقت ها سردر گم می شویم ولی وقتی می آوریم در ساحت خودش، این الان زوجیت دارد، قبل از مخلوق است، انسان است، خداوند در حوزه مخلوق بودن، انسان بودن ، زوج بودن چه چیزی خواسته است؟

مخلوق وقتی در برابر پروردگار است کارش تسبیح است.

انسان وقتی در برابر پروردگار است کارش عبودیت است.

زوج وقتی در برابر پروردگار است کارش رحمت است.

توصیه: سعی کنید عبادتهایتان را که جنبه تسبیح دارد تقویت کنید ، اگر اعتقاد به نماز نداشت بالاخره یک اعتقاداتی دارد آنها را تقویت کند.

دوم مراقبت های درونی را تقویت کند مثل محاسبه نفس

سوم: تا آنجایی که می توانید خوبی کن نمی میری که. یک هفته بیشتر خوبی کنید.

و فکرش به کار می افتد چه بسا خودش مشکل خودش را حل کند. این انسان است وصل به خدا است کافی است فقط یک رابطه تقویت شود.

اگر سوره طلاق گفت من یتق الله یجعل له مخرجا ، آیا همه مشکلات خانوادگی فقط جنسش تقوا است؟ خیلی ساختار بسیط و کارآمد می شود.

کسی که دارد پژوهشگرقرآنی می شود می خواهد بداند خدا راجع به یک موضوع چی می گوید؟ پژوهش در ساحت قرآن باید وقاعی باشد، پژوهش تصنعی اصلا وجود ندارد.

سلامت ، آیا من آدم سالمی هستم یا نه؟ خدایا من در منظر تو آدم سالمی هستم یا نه؟

قرآن برای پژوهش به این معنایی که فکر می کنیم نیست، برای عمل است . بله ممکن است بعداً مورد رجوع دیگری هم قرار بگیرد.

و الا اینکه ما بخواهیم پژوهشی کنیم که دیگران هدایت بشوند،نه.

اگر در پژوهش قرآنی، فرد پژوهشگر نتواند، نخواهد آن پژوهش را در درون خود جاری کند بدرد خودش نمی خورد وقتی به درد خود آدم نمی خورد به درد کسی هم نمی خورد.

خیلی می گویند چرا قرآن در مورد کودک در قرآن چیزی نگفته ، خدا راجع به انسان که گفت شما آن را شنیدی که در مورد کودک بگوید؟

شرط اول است.

شما دارید واقعی پژوهش می کنید پس بیچاره­ی سوال شوید.

دو نفر ، سه نفر از دوستان در این جمع این موضوع را به عنوان یک پژوهش 20-30-40 ساعت است قبول کنند و تبدیل به یک مقاله ای کنند و چیزی که در خودشان اتفاق می افتد ثبت کنند مقاله باید سفرنامه باشد به درون نه ذهن نامه. سفرنامه خیلی می تواند سود داشته باشد اما ذهن نامه ها الکی تکثیر می شوند و مشکل مردم را حل نمی کنند .

ما باید یک چیزی که از خودمان بروز داده ایم را ثبت کنیم که ده هزار سال بعد بگویند ده هزار سال پیش اینطوری قرآن خوانده اند.

بخش دوم

استاد بهرامی:

راجع به سلامت در حوزه روان شناسی چه موضوعاتی به نظرتون می رسد؟

اثر وراثت و محیط ؟

چه گامهایی می شود برای سلامت برداشت؟

سلامت در سالمندی ، نوجوانی ، کودکی ، پیری ؟

عوامل تأثیر گذار بر سلامت ؟

تخریب یا بهبود سلامت؟

تعریف سلامت؟

سلامت مطلق است یا دامنه دارد؟ (دارای طیف است؟)

سوالات مطرح شده، خیلی مهم است. مفهوم سلامت را برای ما شاخه شاخه می کند و ابعادش را تعیین میکند،

استاد اخوت:

شما منظورتان از سلامت چیست؟

استاد بهرامی:

همه سوالات به ما کمک می کند که ما ببینیم که دقیقا دنبال چی باید بگردیم ، هر چی مفهوم شفاف تر باشد، دقیق تر باشد کار ما و بررسی آن راحت تر است.

در روان شناسی، سلامت به خودی خود ممکن است ذاتاً معنا نداشته باشد.

سلامت، تعریفش در مقابل بیماری است. یعنی کسی که بیمار نباشد. بیمار کسی است که عملکرد ذهنی ، اجتماعی ، شغلی ، خانوادگی ، ... مخدوش شود.

یا اینکه یک انسان از بقیه آدم ها خیلی متفاوت باشد خیلی متفاوت بودن یعنی اینکه سالم نیست، بعضی از روان شناسان می گوید آدم سالم کسی است که خوب فکر کند، خوب کار کند، نشاط داشته باشد و از زندگی اش لذت ببرد به شکوفایی دیگران و خودش کمک کند. اجمالاً تعریف ما از سلامت عبارت است از تابع معیاری از یک بیماری است که نباید نداشته باشد یا وجود یکسری از ویژگی هایی است که در خود انسان است، صرفه نظر از این که بیمار باشد به خود بیماری توجه نمی کنند.

استاد اخوت:

از همان اول که سوره حمد را می خوانی ، یک سری افراد هستند صفات کمال دارند یک سری صفات نقص دارند. شما منظورتون صفات کمال و نقص است؟ یعنی من دنبال صفت کمال و نقص بگردم؟

دکتر بهرامی:

آیا کمال و نقص تطابق دارد با مسائلی که مطرح کردم؟

انسانی که به شدت ( از دیدگاه بعضی روان شناسی) اضطراب ندارد و زندگی او را بهم نمی زند و مانع پبیشرفتش را نمی گیرد می گویند او سالم است یا از دیدگاه دیگر می گوید من اصلا به بیماری کار ندارم صحبت می کنم که انسان چقدر شاد است چقدر امیدوار است چقدر می تواند به خودش و دیگران کمک کند.

استاد اخوت:

تعریف شما را اینجوری بر می گردانم که:

انسان یک ساختار وجودی دارد که اگر مولفه های ساختار وجودی درست کار کند (عمل ، فکر و ایمان درست کارکند ) سالم است اگر درست کار نکند ناسالم است مثلا انسان یکی از مولفه هایش شنیدن است که چه جسمی چه معنوی.

اگر نابینا باشد می گویم ناسالم جسمی ،

اگر ناتوان در شنیدن باشد ...

استاد بهرامی:

انسان مجموعه دستگاه هایی است اگر این دستگاه خوب کار کند سالم است . کار چشم دیدن است اگر انحراف نداشته باشد. دوگانه بین نداشته باشد. این چشم دارد خوب کار می کند.

انسان یک دستگاه ، یک مختصاتی از لوازم ، ابزار برای انجام یک حیات است و انسان سالم این است که این مجموعه درست کار کند.

استاد اخوت: منظور ما از انسان سالم ، صحت در عناصر و مولفه های ساختاری انسان است .

استاد بهرامی:

بین تقاضای درونی ( نیازهای درونی) و تقاضایی که در واقعیت وجود دارد یک تعادلی وجود دارد. انسان سالم کسی است که در مواجهه با محیط ، مشکلات زندگی را ه حل های مناسبی بیابد.

استاد بهرامی:

یعنی بین تقاضای درونی ( نیازهای درونی) و تقاضایی که در واقعیت وجود دارد یک تعادلی ایجاد میکند. مثلا انسانی که سالم است وقتی که گرسنه است به هر نحوی گرسنگی خود را رفع نمی کند و یا انسانی که نیاز به محبت دارد به هر شکلی نیاز خود را برآورده نمی کند یک تعادلی ایجاد می کند و انسان سالم کسی است که در مواجهه با محیط ، مشکلات زندگی را ه حل های غیر صدمه زننده به خود و دیگران استفاده نمی کند. ..از همه امکانات درونی و بیرونی خود برای رشد کمال خودش استفاده می کند.

استاد اخوت: شما دستگاه مختصات را 4 تا گذاشتید.

1. خود انسان و ساختارهایش
2. تعامل انسان با نیازهایش

به نسبت سوال که مطرح می کنید امکان پاسخی در قرآن وجود دارد. اگر برای اولی بخواهید باید با واژه شناسی تطبیقش بدهم و یک یا چندتا واژه کلیدی را محور قرار بدهم و بروم به سراغ سوره هایی که شبکه واژگانی را از آن سوره در بیاورم و بعد در کل قرآن شبکه را تقسیم بندی بکنم.

پس وقتی که شما می گویید سالم گول واژه سلامت را نمی خورم. در غیر این صورت باید بروم قلب سلیم را کار کنم. که ممکن است به نتیجه برسم و ممکن است به نتیجه نرسم.

من با مفهوم سالم کار دارم چیکار به این دارم که شما اسم این را گذاشته اید سلامت.

من با مفهوم شما می روم واژه کانونی ساختار وجودی که دارای اختلال نیست و بیماری ندارد اسمش را می گذارم شکر و

معنی شکر یعنی وقتی که خدا شکر را می گوید در مقابل شرک است ساختار بهم ریخته را شرک می گوید و ساختار پیوسته را شکر می گوید.

واژه شکر در سوره ی مبارک انسان ، هل اتی من الانسان حین من الدهر لم یکن شیئا مذکورا ، انا خلقنا الانسان من نطفه امساج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا ، انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا . انا اعتدنا للکافرین سلاسلا و اغلالا و سعیرا . ان الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافورا

شکر بهم ریخته را شرک می گویند. الان داریم گمانه زنی می کنیم.

در ساختار دوم شما: واژه فلاح در آیه قد افلح المومنون را انتخاب می کنم.

ساختار بهم ریخته را شرک می گویند ساختار پیوسته را شکر می گویند.

واژه شکر در سوره مبارکه انسان است.

کسی که نتواند از امکانات درونی خود به نحو مناسبی استفاده بکند بیمار است و انسان سالم شکور است.

دکتر بهرامی:

واژه سلامت را تعریف مفهومی نکردند

بخش اول منقح کردن سوالی است که شما برای مطالعه قرآنی دارید.

ایشان به معنای سلامت اشاره داشت، در سوره انسان که سوره محوری می شود. از نظر وجودی یکی را مربوط به شکر کرد انسان سالم شکور است.

و دومی سلامت را می برد در بحث تعادل درونی (نگاه در خود تنظیمی ) و تعامل با بیرونی که از درونش فلاح را می توان درآورد.

استاد اخوت :

در این مرحله من به خودم اجازه گمانه زنی به حد کافی می دهم. یعنی بگویم شاید واژه شکر یا شاید ... . اشکال ندارد. می توان حالت های مختلف را تجربه کرد هر چقدر هم بیشتر بهتر است.

مثلا راجع به من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون ( ایه 9 سوره حشر) ممکن است به آیه 90 سوره نحل «إن الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و ... » و در واقع من یوق شح ... را معادل ان الله یامر بالعدل و الاحسان و .... بگیرم

یعنی من به خودم اجازه گمانه زنی می دهم و گرنه در این مسیر ، مسیرهایی اتخاذ کنیم که بعدا برایمان جذاب نباشد.

2 تا عنوان را به شکل گمانه زنی برای کارم انتخاب می کنم ( کار آخر را همان اول انجام می دهم) :

1. شکر: سلامت از منظر ساختار وجودی انسان
2. مراقبت از شح نفس: اعتدال در نیازها

آیا شما می توانید سلامت را از منظرهای مختلف بررسی کنید؟ بله.

سوال یکی از حضار: چرا تأکید تان اول به روانشناسان است؟

استاد اخوت: ما دونوع پژوهش در قرآن داریم

1. تطبیق با قرآن : مثلا من قرآن می خوانم می رسم به قلب سلیم ، بعد می فهم که یک واژه ای است به نام سلامت که در سوره مبارکه شعرا ، فرآیند قلب سلیم را در می آورم قلب سلیم یک قلبی است که از وسوسه ها خالی است. و مختصات آن را در می آورم و با کل قرآن می گیریم، مدل قرآن به زندگی.
2. یک موقعی است که کسی سوال می کند ممکن است رشته اش هنر یا علوم اجتماعی یا یک آدم معمولی باشد، حتی ممکن است خود آدم باشد. ما اصلا اینجا به این که سائل کیست، کار نداریم که روانشناسی پشت آن یک علم است که کلی تجربه دارد و یا آدمی که برای خودش می پرسد. باید ببینیم که سوال چیست؟ انسان ها هنگام سوال پرسیدن از واژه های مشابه استفاده می کنند. مثلا می گویند سالم ولی از واژه سلامت استفاده می کند. مثلا وسواسی که در عرف ما به کار می رود با وسواسی که در قرآن بکار برده می شود تفاوت زیادی دارد.

مراحل اول کار با فرض تعریف اول ( شکر) (که جذابیتش هم بیشتر است) از سلامت

1. انتخاب واژه مناسب برای سلامت ( شکر)
2. انتخاب سوره ای که آن واژه در آن محور است.
3. کشف شبکه واژه ای در سوره ( انسان)
4. مطالعه مدل به دست آمده در همه سوره های قرآن با محوریت آن

مراحل کار با فرض تعریف دوم از سلامت :

انتخاب واژه فلاح و بررسی آن در سوره مبارکه حشر با توجه به واژه حیات طیبه و بررسی آن در سوره نمل ( ان الله یأمر بالعدل و االاحسان) و تشکیل دو مسیر در کنار همدیگر ، معنای من یوق شح نفسه به عبارتی همان ان الله یأمر بالعدل و الاحسان است.

سوال انشاء طلبی است انشاء قابل صدق و کذب نیست سوال را و تعریف سوال را منقح می کنیم.

وقتی واژه شکر را می بینیم احتمال دارد درست باشد. در سوره انسان ظاهراً نشان می دهد انتخاب واژه دور از ذهن نیست چون می گوید انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً

شکر را با ابرار یکی می کنیم اول شبکه مفهومی از سوره انسان در می آوریم سلاسل ، اغلال، سعیر سه محور بیماری می شود و آن طرف هم می شود ابرار و آن سه محور نیز یک شبکه بیماری را معلوم می کند.

سلاسل ، اغلال ، سعیر در کسی که ابرار است وجود ندارد. منظومه کلمه ای درست می کند سه تا مولفه این ور ، سه تا مولفه آن ور، با این سه مولفه به سراغ سوره های مختلف قرآن می رویم.

استاد بهرامی:

برای انتخاب و ورود به قرآن باید چه کارهایی انجام دهند؟

استاد اخوت:

1. از کسی که قرآن کار کرده بپرسند، سه یا چهار کارشناس خبره ما را دلالت می دهند.

استاد بهرامی: بدون راهنمای قرآن شناس نمی توانیم ذوقی کاری انجام دهیم.

استاد اخوت:

1. ما باید بعنوان مسلمان بدانیم در قرآن چه حقایقی است.

وقتی که موضوعی ارجاع می شود کل قرآن را بدون اینکه به واژه نگاه کنیم می خوانیم رجوع به متن و نص قرآن از اول تا آخر ( استقراء تام قرآن).

کل قرآن را می گردیم ببینیم قرآن چگونه به این موضوع پاسخ داده است.

چندین بار دسته جمعی با هم می خوانیم هر کس یک جزء و هر کس نکته ای در می آورد.

راه دوم:

ما آدم ها بایستی بدبخت قرآن باشیم، آویزان قرآن باشیم ، چکار داریم بلد باشیم یا نه!

وقتی سوال واقعی باشد می گوییم خدایا تو این صفحه بگو، در این یکی صفحه بگو ...

اصلاً تدبر کیلویی چند است؟

دکتر بهرامی: دوم انس با قرآن

استاد اخوت: سوم: روش

روش، سرعت می دهد، یک شیوه خواندن قرآن، خواندن قرآن براساس ساختار وجودی قرآن است.

تنوع روش زیاد داریم که مرتب با روش ها کار می شود.

دسته واژه ای به دست می آوریم.

روش کلمه ای اصل روش است آموزش داده می شود که واژه ای مقدماتی، لوازمی و آثار و نتایجی دارد. که شبکه تولید می کنند و چه استفاده ای می کنیم.

دکتر بهرامی:

اگر می خواهید از قرآن استفاده بکنید باید با قرآن زندگی کنید در اینصورت قرآن به شما جواب می دهد.

گام اول: حتماً از یک آدم خبره باید استفاده کنید.

گام دوم: انتخاب روش

1. سوال از خود را دقیقا مشخص کنید.

سوال خود را تجزیه و تحلیل کنید ( قابل تحلیل به چه مولفه هایی است)

اگر از تجربه دیگران برای فهم سوال خود استفاده کنید سوال پخته تر می شود.

عناصر کلیدی سوال خود را استخراج کنید.

1. واژگان متناظر در قرآن ؛

عناصر کلیدی، یک سری واژگان در قرآن متناظر هستند ( نمی گویم مترادف)

این واژگان چیست؟ باید از کتابهای لغت استفاده کنید. ( کتاب «مکنز العربی المعاصر» تمام لغات مترادف را جمع آوری کرده است. )

با توجه به شبکه مفهومی خودتان مفاهیم ، لغات ، واژگان مناسب را انتخاب کنید. این واژگان خودشان یک شبکه دارند شبکه نزدیک به واژگان خود را پیدا کنید، اگر به مریض رسیدید، مفهوم مریض یک معنا دارد، افرادی به دلایلی مریض هستند، ویژگی هایی دارند.

مفهوم را بسط دادیم و آن را به یک فرآیند تبدیل کردیم.

آدم های مریض لوازمی دارند، پیامدهایی تولید می کنند رفتاری دارند.

واژگان تبدیل به یک مجموعه شدند. پس بنابراین می توانیم با دست بازتری در قرآن جستجو کنیم این شبکه مفهومی ما می شود.

استاد اخوت : براساس یکی از این روش ها به واژه شکر و کفر می رسیم.

مهمترین عنصر سلامت ، طیبه است . از کجا پیدا کردیم ؟ از ساختار وجودی « لعلکم تشکرون» به عنوان غایت مطرح می شود.

بهتر است ما یک سوره انتخاب کنیم و با همین سوره، سوالاتمون جواب داده بشود گاهی بعضی افراد می گویند با یک سوره قانع مان نمی کند.

یک سوره انتخاب می کنیم که اگر درست انتخاب کنیم نیاز به سوره دیگری نیست.

یا دسته سوره انتخاب می کنیم و با محوریت ساختار وجودی «سوره دهر» برای عمل ، سوره «انعام» برای نظام ادراکی و سوره «نمل» برای نظام گرایشی انتخاب می شود و شکر یا تعادل در ساختار وجودی در آن ها بررسی می شود.

این مطالب محاسن مختلفی دارد. ادبیات قرآن، ادبیات خاصی است.

پژوهش هایی که براساس جستجوی واژه و ... است جواب نمی دهد و شما باید مفهومی جلو بروید.

خاصیت سوره این است که نمی گذارد شما اشتباه کنید شما را در یک منظومه می اندازد و شما را به سمت سوره دیگر هدایت می کند. به خودتان اجازه خطا کردن بدهید. سوره ها یکی از خصوصیات بارزشان ظهیر بودن هم است اگر اشتباهی انتخاب کردید خود سوره هدایت می کند متن سوره؛ سیال و فعال است و با مخاطب ارتباط برقرار می کند.

تکلیف1 : واژه یابی

1. کفر یا شکر مفهوم سلامت را دارند ، شما کفر یا شکر یا طیب را انتخاب کنید. آیات را ببینید. (سوره شاخص حضرت ابراهیم است اگر دوست داشتین بخوانید)

کفر عدم سلامت و شکر سلامت است.

کفر را سرچ بزنید آیاتش را ببینید.

بعضی در سوره انعام ( سوره ساختار وجودی است)

سوره نحل

سوره دهر مطالبی که راجع به سلامت است یادداشت کنند.

سوره ای که شاخص کفر و شکر است سوره حضرت ابراهیم است.

از خودشان سوال بپرسند؟ ساختار انسان از منظر خداوند چگونه ممکن است؟ چگونه به هم ریخته می شود؟

در واقع باید به موضوع سلامت ، فرآیندی بنگریم .

نکات را یادداشت کردید آیا می توانید دسته بندی کنید؟

* لوازم سلامت
* عوامل سلامت
* نتایج سلامت

نقداً می توانید یک فصل بندی داشته باشید.

وقتی می گوییم عوامل سلامت ، آن طرف دیگر موانع سلامت می شود.

تکلیف 2:

خواندن سوره انعام

در آن ساختار وجودی هم دارد.

بعضی از دوستان سوره نحل را بخوانند نکاتی که راجع به سلامت را یادداشت بکنند و

بعضی هم سوره دهر را بخوانند ...

چارچوب سوال در واژه یابی و سوره ای :

سوال: ساختار انسان از منظر خداوند چگونه همگن است و کار می کند و چگونه این ساختار بهم می ریزد و به نقص عملکرد می رسد ؟ فرآیندی نگاه بکنید.

نکات را یادداشت بکنید و این موضوعات را دسته بندی بکنید.

عوامل، لوازم ، نتایج موانع سلامت تقسیم بندی بکنید.

این عام ترین فصل بندی کار شما هست.

عوامل ⟷ موانع

نتایج ⟷ توابع

لوازم ⟷ عدم لوازم ( عدم ایمان و کفر)